

بازگشت روسیه به صحنه رقابتهای جهانی!

واکنش نظامی سریع و غیر منتظره ارتش روسیه در رابطه با معضل گرجستان ، غرب را ظاهراً شوکه کرده است . ارتش روسیه تنها به منطقه کوچک اوستیای جنوبی بسنده نکرده و نیروهای خود را نه تنها به منطقه آبخاز که به خاک اصلی گرجستان نیز وارد نموده است . پیروزی روسیه در رابطه با مسئله گرجستان و تحمیل شرایط خود و یک راه حل روسی به دولت متمایل به غرب ساکاشویلی ، نقطه عطفی در تعادل قوای منطقه ای و به تبع آن تعادل قوای جهانی خواهد بود . در این مقطع و با توجه به مجموعه فعل و انفعالات سیاسی در منطقه و بویژه در رابطه با معضل ایران ، هیچ چیز جلوی پیروزی نظامی روسیه و یک پیروزی سیاسی متعاقب آنرا نخواهد گرفت .

انعکاس استراتژیک صف بندیهای جدید متعاقب این جنگ که منتهی به تغییرات جغرافیایی مختصری نیز در منطقه می گردد ، مستقیماً بر روی " طرح خاورمیانه بزرگ " سر ریز شده و یک شکست تاکتیکی بسیار مهم به " استراتژی جهان تک قطبی " وارد خواهد کرد . تا همین حالا هم پس از گذشت هفت سال از آغاز جنگ چهارم ، این استراتژی کوچکترین موفقیتی در صحنه جهانی نداشته و همه جا با سد قدرتهای خواهان سهم و حامیان " استراتژی جهان چند قطبی " مواجه شده است .

روسیه نیز همچون نظام " جمهوری اسلامی " ، دریافته است که تنها راه بقا در جنگل تعادل قوا و باغ وحش ایده آل " بوش - چینی " در کنار خلع ید از کلان سرمایه یهود و سرانگستان دراز آن در میان جامعه ، فقط و فقط مقابله به هر قیمت است . اینکار را پوتین با خلع ید از " برزوفسکی " و تحت کنترل درآوردن " قوسینکی " ، " آبراموویچ " و " خادوروفسکی " که ستون فقرات الیگارشی یهود را در روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی تشکیل داده بودند ، انجام داده است . اگر چه که خود او نیز در آغاز با اتکاء به همین سرمایه کلان به حاکمیت رسیده بود .

تقابل روسیه با ایالات متحده تنها امروز و در گرجستان آغاز نگردیده است . پوتین با مهره ایران آغاز کرده و راه بسیاری را نیز با موفقیت تا کنون پیموده است . بدیهی است که مسئله گرجستان تنها با جدایی اوستیای جنوبی و آبخاز پایان نمی پذیرد . بدون تعویض رژیم آمریکایی - اسرائیلی ساکاشویلی در تفلیس ، گرجستان همچنان که اوکراین ، به مثابه خنجر خیانتی در پهلوی روسیه باقی خواهد ماند .

اوضاع به هر طرف بچرخد با اینحال یک چیز از همین مقطع رقم خورده است . روسیه به صحنه رقابتهای جهانی بازگشته است . چیزی که از آن مهمتر است فهم جایگاه روسیه در تعادل قوای موجود است . در این صحنه علی رغم تهاجم اخیر و تغییر معادله قوا ، نقش روسیه در معادلات منطقه ای و نه حتی جهانی ، تنها یک نقش تاثیر گذارنده قوی خواهد بود و نه تعیین کننده ! اشتباه محاسبه در رابطه با این نقش از سوی هر دولت و یا نیروی سیاسی ، نتایج مخربی را با خود به ارمغان خواهد آورد . نه اشغال دوباره جایگاه اتحاد شوروی توسط روسیه امکانپذیر است و نه امکان تکرار "جنگ سردی " که اخیراً به موضوع بحث رسانه های بین المللی تبدیل گردیده است . به این اعتبار اگر چه تعویض رژیم در تفلیس و کیف دقیقاً در راستای منافع ملی و مصالح استراتژیک روسیه کنونی می باشد ، اما راه آن بی تردید یک راه حل نظامی نمی تواند باشد . چرا که دوران تغییر کرده است ! نه مجارستان ۱۹۵۶ و نه چکسلواکی ۱۹۶۸ تکرار شدنی است . تنها افغانستان ۱۹۸۰ شاید !